

انتشار نخستین کتاب پژوهشی درباره حج خونین سال ۶۶



کتاب «کابوس در بیداری» نخستین اثر درباره جنایت آل سعود در حج سال ۶۶ است که بعد از ۳ دهه از وقوع جنایت منتشر می‌شود. به گزارش تسنیم، کتاب «کابوس در بیداری» روایتی از حج خونین سال ۶۶ است که توسط جواد موکویی و هانیه سادات حسینی‌زاده به رشته تحریر در آمده است که بزودی منتشر می‌شود. این کتاب به ۲ بخش تقسیم می‌شود. بخش اول آن به کشف ریشه‌ها و زمینه‌های واقعه حج خونین پرداخته است. از تأثیر انقلاب اسلامی بر حوادث منطقه گرفته تا فضایی که برگزاری مراسم «برات از مشرکین» در حج ایجاد کرد و پیامدهای آن و مسائلی که بعد از حادثه به وجود آمد، مانند تأثیر این واقعه خونین بر جنگ تحمیلی و وزن کشتی‌ها در خلیج فارس که متعاقب آن ناهای نیروی دریایی آمریکا به خلیج فارس می‌آیند و در ماه‌های پایانی جنگ هواپیمای مسافری ایران را هدف قرار می‌دهند. در بخش دوم کتاب به تاریخ شفاهی باقیمانده از حادثه پرداخته شده است. از مصاحبه‌های شاهمان عینی گرفته تا گزارش‌های رسانه‌ها درباره آن حادثه، مصاحبه‌های متعددی هم با مسئولان مربوط گرفته شده که در کتاب آمده است. کتاب «کابوس در بیداری» روایتی از حج خونین سال ۶۶ توسط انتشارات شهید کاظمی طی روزهای آینده وارد بازار نشر خواهد شد.

چه خبر از گیشه سینماها؟

با توجه به هفته افت فروش سینماها در هفته گذشته، فیلم‌های کم‌دی و اجتماعی توانستند نظر مخاطب را جلب کنند. به گزارش فارس،



در هفته اخیر با تصمیم شورای امنی نمایش هیچ فیلمی به اکران اضافه نشد اما به دلیل آشوب‌های خیابانی سالن‌های سینما فروش مناسبی نداشتند. اما در این میان تنها فیلم «آینه بغل» و «سد معبر» با فروش خوبی مواجه شدند. حبیب اسماعیلی، مدیر دفتر پخش رسانه فیلمسازان مولود درباره فروش فیلم این دفتر گفت: فروش فیلم «پسرعمو دخترعمو» نسبت به هفته گذشته بهتر است و در کل فروش فیلم به رقم ۲۶۰ میلیون تومان رسید. این فیلم هم‌اینک ۵۲ سالن در اختیار دارد. علی سرتیپی درباره فروش فیلم‌های دفتر پخش فیلم‌بران گفت: فیلم سینمایی «آینه بغل» با فروش ۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان مواجه شد. این فیلم با اقبال خوب مخاطب روبه‌رو است. فیلم سینمایی «قاتل اهلی» به فروش ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان رسید. احمد مختاری، مدیر دفتر پخش هدایت فیلم درباره فروش فیلم‌های این دفتر گفت: فیلم سینمایی «سد معبر» ظرف ۹ روز به رقم ۲۸۵ میلیون تومان در تهران و ۸۵ میلیون تومان در شهرستان فروش داشت. این فیلم در کل فروش فیلم به رقم ۳۷۰ میلیون تومان رسید. فروش فیلم سینمایی «ثبت با سند برابر است» به فروش ۲ میلیارد و ۸۱۵ میلیون تومان رسید. هم‌این امکان‌نیلان، مدیر دفتر فروش نیکان فیلم درباره فروش فیلم‌های این دفتر گفت: فروش فیلم سینمایی «آذر» به رقم فروش ۷۹۰ میلیون تومان رسید و «شکلاتی» به فروش ۴۲۰ میلیون تومان رسید.

افشاگر فسادهای اخلاقی هالیوود رئیس هیأت داوران جشنواره کن شد

کیت بلانشت به عنوان رئیس هیأت داوران هفتادویکمین دوره جشنواره کن انتخاب شد. او طی بیانیه‌ای گفته است: «در طول سال‌ها در بخش‌های مختلفی در کن بودم از بلانشت تا تهیه‌کننده، در بخش مارکت و در بخش رقابتی اما هرگز لذت ناب تماشای گنجینه فیلم‌های بزرگ این جشنواره را نچشمیده بودم». بلانشت از جمله بازیگرانی بوده است که اخیراً اقدامی علیه فساد اخلاقی در هالیوود انجام داده است. او یکی از نخستین زنانی بود که درباره هاروی واینستین افشاگری کرد. بنابراین گزارش، این دوازدهمین بار است که یک زن به عنوان رئیس هیأت داوران جشنواره کن انتخاب می‌شود. هفتادویکمین جشنواره فیلم کن از ۸ تا ۱۹ مه ۲۰۱۸ تا ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۹۷ برگزار می‌شود.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با امیرعباس ربیعی، کارگردان فیلم داستانی «بعد از ظهر»

می‌خواستم تلخی فتنه فراموش نشود



■ کمی از فیلم فاصله بگیریم. چه چیزی شما را به دنیای سینما کشاند؟

صادقانه اگر بخواهم بگویم، سینما را به خاطر علاقه‌ام انتخاب کردم. شاید از جانب تقدم و تاخر علاقه‌ام مقدم بود اما چون سینما را انتخاب کردم دلیلی نمی‌شود که بخواهم هر فیلمی را بسازم. رسالتی بر دوش دارم و بناست فیلم خودم را بسازم و زاویه دید خودم را مشخص کنم. اینکه زاویه دید من با چنین موضوعی گره می‌خورد، بازمی‌گردد به ایدئولوژی‌ام. قبل از ورود به این دنیا بنا گذاشتم که صادقانه حرف‌هایم را بگویم و اینطور نشود برای اینکه در این مدیوم دیده شوم و به فستیوال‌ها بروم از زدن حرف خودم بترسم و مصلحت‌اندیشی را بر حقیقت‌گویی ترجیح دهم. البته تجربه هم نشان داده افسردگی که صرفاً برای زدن حرفی و نه از روی علاقه وارد این حوزه شده‌اند، عمدتاً فیلم‌های شان به شعارگویی و ضعف تکنیکی گرایش پیدا کرده است.

■ با توجه به تجربه تولید آثار مشابه، سختی یا بهتر بگویم مختصات ساختن فیلم سیاسی در کشور ما چیست؟

چه در ژانر سیاسی یا غیر آن، به نظرم تولید فیلمی که مساله جدی دارد و خنثی نیست، واقعا دشوار است. بزرگ‌ترین مانعش هم سلیقه مدیران فرهنگی کشور است. حتی این مقوله‌ای که می‌گویم شامل مجموعه‌های انقلابی نیز می‌شود. مدیران به گمانم برای‌شان بسیار دشوار است که به فیلم‌های غیرخنثی اقبال داشته باشند. البته منظور بنده سلیقه آنها در مرحله تولید است. در زمان تولید چون ساخت چنین فیلم‌هایی ریسک بالایی دارد و دچار دردسر می‌شوند عمدتاً این خطر پذیری را ندارند؛ خطری که هم شامل شعارگرایی می‌شود و هم ممکن است فیلم اعتراض ندهاها و اصناف مختلف را برانگیزد. یا فیلم اکران نشود و توقیف شود اما در زمان توزیع، اگر فیلم موفق شود همه تلاش‌شان را می‌کنند که سهمی از فیلم داشته باشند. از همین جهت تولید چنین فیلم‌هایی بسیار سخت است. علاوه بر این برای عوامل هم این خطر کردن مهم است. باید بتوانی گروهی را جمع کنی که این ریسک را بپذیرند. در نتیجه سینمای ما به سمت سینمای اجتماعی خنثی رفته است و مسائل خیلی پیش پا افتاده و غیرمهم محور آنها قرار می‌گیرد. همچنین یکی از مقولات مهم دیگر این است که شما حرف جدی خودتان را در مدیوم سینما مطرح کنی و خطر پس زدن پیام یا شعاری شدن فیلم بسیار بالاست. به تعبیری می‌توانم بگویم سینما با منبر فرق دارد و اگر بخواهد تبدیل به سینما شود باید به این مدیوم تبدیل شود و ریسک و زحمت بالایی دارد.

■ فیلم شما را تقریباً می‌توان نیمه‌بلند نامید. اینگونه فیلم‌ها جز جشنواره‌هایی نظیر عمار، بستر برای نمایش عمومی ندارند. برای اکران عمومی چه برنامه‌ریزی‌هایی را تدارک دیده‌اید؟

تهیه‌کننده از راه‌هایی که خودش تعبیه کرده مانند اکران‌های خصوصی، دانشگاهی یا حتی گروه هنر و تجربه - که بعید می‌دانم - در حال ایزنی است اما عمده تمرکز ما بر اکران‌های دانشگاهی است که این‌ساله بعد از عمار رقم بخورد.

تازه‌ترین خبرها از یک شبکه تلویزیونی جوان اما پرمخاطب

از پخش «رسانش ۲» تا تولید ویژه‌برنامه کتابخوانی

دوم یک برنامه نقد در این شبکه عنوان کرد: سری جدید برنامه «رسانش» را هم داریم که به نقد و بررسی فیلم‌های سینمایی و بازی‌های کامپیوتری می‌پردازد. ما در «رسانش ۱» به سواد رسانه‌ای می‌پرداختیم و در سری جدید برنامه به صورت موردی آثاری را نقد می‌کنیم و احتمالاً در این فصل از یک مجری نوجوان بهره می‌گیریم. مدیر شبکه مدیر شبکه امید بتازگی در گفت‌وگو با مهر، در ارتباط با برنامه‌های جدید این شبکه اظهار کرد: کتابخوانی ما پخش می‌شود که در آن هنرمندان و بازیگران سینما و تلویزیون به برنامه می‌آیند و برای نوجوانان کتاب می‌خوانند.



استفاده نمی‌کنید. این اتفاق دلیل خاصی دارد یا به محدودیت بودجه بازمی‌گردد؟

من در مرحله‌ای هستم که در دل انجام رسالت‌ها، تمرین سینما می‌کنم و به گمانم اگر بتوانم از بازیگرانی که استعداد خوبی دارند ولی هنوز به اصطلاح حرفه‌ای نشده‌اند بازی خوب بگیرم، آورده بیشتری برای من دارد تا اینکه بخواهم از بازیگر چهره در تیم استفاده کنم. از سمت دیگر انتخاب بازیگر چهره تبعات خاص خود را دارد، هم تبعات مالی برای تهیه‌کننده دارد و هم اینکه می‌دانستم بازیگران برجسته برحالی حاضر به حضور در چنین فیلمی نخواهند شد. حضور آنها در چنین مضامینی برای خودشان حساسیت‌زا و هزینه‌آفرین است و همین باعث می‌شود نسبت به چنین مسائلی اقبال نشان ندهند اما من تلاش داشتم از بازیگران با استعداد استفاده کنم ولو اینکه چهره نباشند.

■ به نظر تان فیلم حال مخاطب را ناخوش نمی‌کند؟ بنا ندارم بگویم انتهایش «پایان خوش» باشد ولی به نظر روزنه امید می‌در انتهای فیلم گشوده نمی‌شود؟

تمرکز من روی این بود که غبارآلود بودن فضا را نشان دهم و بنا داشتم هرکس که این فیلم را می‌بیند با خودش بگوید فتنه چقدر تلخ است و تلخی فتنه از یادمان نرود که می‌باید دوباره تکرار شود تا سر مسائل اجتماعی که رخ می‌دهد حساسیت به خرج دهیم. هر چند الان که کار تولید و منتشر شده است حس من کمی جا داشتند که در روایت و اجاره دهم مخاطب کمی نفس بکشد و یکسره در تنش و اضطراب به سر نبرد. شاید دلیلش به این مساله بازگردد که در آن موقع خودم را جای مخاطب نگذاشتم و بیشتر سعی داشتم فتنه بودن ماجرا از آب درآید.

■ شاید بتوان گفت بی‌بی‌سی یکی از عناصر اصلی رسانه‌ها در سواست‌سازش شما بوده؛ با توجه به اینکه بدون شک پژوهش‌هایی را در باره اثر این نگاه خبربراکتی داشتید. به نظر شما تا چه حد بی‌بی‌سی در فتنه‌ها ۸۸ اثرگذار بود و چه باید کرد که در این

حسن رحیم‌پور ازغدی:

چند درصد مسائل مطرح شده در سینما اولویت‌های جامعه ما است؟

آن پرداخته می‌شود یا نه؟

ما هرچه از دوره مدرنیته به سمت پست‌مدرنیته می‌رویم اتفاقاتی می‌افتد. بخش مثبت قضیه این است که جذامیت شکسته می‌شود و خبر بدش این است که هیچ جا پای محکمی برای هیچ روشنفکر و سینماگری باقی نمانده و همه چیز به سمت نسبی‌گرایی و پوچ‌گرایی رفته است. ما در سینمای ایران بعد از انقلاب تحولات زیادی داشتیم. پیشرفت‌های زیادی تجربه



مصرف‌کننده محض هستند و چون آنچه کبی می‌کنند در جامعه خودشان مجهول است تبدیل می‌شوند به اعضای نامطلوب و ناشناس که می‌خواهند مسائلی را

که مهم نیست مهم جلوه دهند و مدام در پی حخته کردن چیزی به مخاطب هستند. ازغدی با اشاره به اهمیت تشخیص درست مسائل اولویت‌دار جامعه بیان داشت: «آیا اصلی‌ترین مسائل جامعه ما درست دیده شده و درست درک شده و به

فریدون جیرانی در «چشم شب روشن»:

سینمای اجتماعی امروز ریشه در نهیلیسم اجتماعی دارد!

خودش را نشان نمی‌دهد و علت آن این است که سنت قیلا در جامعه تعیین‌کننده بود. من با خوب یا بد بودن آن کاری ندارم و تحلیل کلی شرایط را می‌کنم و ارزش‌گذاری نمی‌کنم. فیلمسازهای ما برای اینکه بتوانند حرف بزنند به واقع‌گرایی افراطی روی می‌آورند تا تنش‌های دراماتیک فیلم را اضافه کنند، آن واقعیت اجتماعی تشدید می‌شود و وقتی این اتفاق به‌عنوان یک عنصر دراماتیک تشدید شود، سینمای فلاکت بیرون می‌زند. سینمای اجتماعی ایران گرفتار این وضعیت شده و به همین دلیل است که یک دور تسلسل تکراری را دارد طی می‌کند.



محسن شهیم‌زاده: ساختن فیلم با موضوع فتنه ۸۸ ژانر اجتماعی سیاه نیست که هر فردی بخواهد و بتواند سراغ آن برود. پیچیدگی این ماجرا و از همه مهم‌تر حساسیت آن به قدری است که بسیاری را از پرداختن به این موضوع منصرف می‌کند. امیرعباس ربیعی، کارگردان گزیده‌کاری که پیش از این آثار موفق نظیر «ولد» و «هیتینگ» را در حوزه بین‌الملل و به زبان‌های غیرفارسی تولید کرده، این‌بار سراغ فتنه رفته است، با این تفاوت که در این فیلم بنا ندارد همه فتنه را نشان دهد؛ گوشه‌ای از این ماجرا و پرده‌ای از غبارآلودی فتنه کفایت می‌کند تا او سوز فیلم خود را بیابد و در هشتمین جشنواره عمار به نمایش درآورد. با امیرعباس ربیعی درباره «بعد از ظهر» و سینمای سیاسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ یکی از ویژگی‌های این فیلم و به‌طور کلی آثار شما این است که بنا ندارد در یک فیلم نسخه تمام آن موضوع را ببیند و انبوهی از پیام‌ها را در آن بگنجانند. همواره سعی داشتید روی بخشی از یک پدیده پرداخت خوبی انجام دهید که به نظر این رویکرد موجب می‌شود هم مخاطب با فیلم ارتباط بهتری بگیرد و هم زبان فیلم رساتر و غیرشعاری‌تر شود. برای سوال اول به نظر مناسب است که خودتان بگویید در «بعد از ظهر» درباره چه چیزی صحبت می‌کنید و بنا داشتید از چه نگاهی به فتنه ۸۸ بپردازید؟

ببینید! فتنه همانطوری که از نامش هم پیداست، به گردوغبار و ابهام فراوان ارجاع دارد. تحلیل این اتفاق آسان نیست چون اگر آسان باشد دیگر نمی‌توان نامش را فتنه گذاشت. دشواری موضوع آنجایی برجسته می‌شود که ما بخواهیم این موضوع را تبدیل به یک سوزناور داستانی کنیم. بسیار سخت است که بخواهید یک امر ناملموس مثل فتنه را به زبان قصه و داستان ملموس کنید. من از همان ابتدا این پیچیدگی را دریافته بودم و به این نتیجه رسیدم که بستر قصه این ظرفیت را ندارد که بخواهم درباره ماهیت فتنه ۸۸ در ابعاد مختلف فیلم بسازم و هم اینکه این مقوله به توانایی بسیار بالاتری نیاز دارد تا اثر به دام شعر و ضعف‌های تکنیکی و محتوایی نیفتد. به همین دلیل سعی کردم فارغ از هر چیز، ذات فتنه را که همان فضای غبارآلود است به تصویر بکشم. در این قصه یک فتنه‌ای رخ می‌دهد و فضا غبارآلود شده و حق و باطل به هم می‌آمیزند. قصه روی این مفهوم طراحی شد و سعی کردم روی این مساله تمرکز کنم که فارغ از آنچه در ۸۸ اتفاق افتاده است در فتنه قصه خودمان این مساله را مطرح کنیم که وقتی این اتفاق روی داد باید چه کاری از ما سر بزنند؟ راهکار هم این است که اندکی با حساسیت تصمیم بگیریم و حتی برحالی به دیده‌های خودمان هم اعتماد نکنیم. فضا چون مه‌آلود است بسیاری می‌توانند سواست‌ساز شده. در این میان بیش از هر چیز بر اثر گذاری رسانه‌ها در سواست‌سازش و تغییر جریان تمرکز گذاشتم و عزم‌ام بر به تصویر کشیدن این مسائل بود.

■ یکی از مسائلی که در فیلم‌های دیگر شما هم دیده می‌شود، این است که شما از بازیگران چهره

دست از طلبکاری ندارید تا کام‌تان بر آید!



طنزآن خجسته: می‌خواهیم این هفته از یکی دیگر از استراتژی‌های کلان رونمایی کنیم که از به‌کارگیری آن شدیداً کیفور و عمیقاً محظوظ شوید. این رویکرد هم مثل تکنیک‌هایی که قبلاً گفتیم، جهان‌شمول است و در هر مسأله و جایگاهی می‌توانید از آن استفاده کنید که همانا «طلبکاری» است و تو چه می‌دانی طلبکاری چیست و چه پدری از مخاطب درمی‌آورد؟ البته قبل از استفاده، پایش کنید که طرف مقابل‌تان نیز مسلح به این راهبرد نباشد که در این صورت کار به جاهای باریک و مال‌رو و اینها می‌کشد، چون اصلاً روایت داریم که «چشم‌کور طلبکار را یا باید از کلاه درآورد یا همراه با صاحبش فنا داد». شما در همین زندگی نکبتی بعضی‌ها که چشم و گوش بچرخانید می‌بینید که مثلاً بچه‌دبستانی‌شان تقاضای موبایل گران‌تومانی می‌کند و خب! بنا به مصالح اقتصادی و سیمان ریخته‌شده در قلب مالی خانواده، والدین، وعده ۱۰۰ روزه یا یک ساله می‌دهند (البته بعداً هم می‌زنند زیر کل قفسه که منظورشان خریدن نبوده و صرفاً قصد قیمت کردن داشته‌اند در انتهای آن ۱۰۰ روز). باری، به ما چه اصلاً ما را چه به این حرف‌های بوی قورمه‌سبزی‌دار؟! خلاصه بعد از این وعده‌ها و «من نگفتم»‌ها، یکپو بچه در می‌آید که «ه‌خبر! همین الان گوش‌های گران‌تومانی می‌خواهم که پول نداشتید، چه می‌خواستید چکار؟ اصلاً چرا من را به دنیا آوردید؟!» تصور کنید! به خاطر یک موبایل زبرتی که تازه آپ‌های ایرانی‌اش هم یکی‌یکی دارند تحریم می‌شوند، فسقل‌چچه این حرف‌ها را حواله‌تان کند. خب! واضح است که این فنچ، طلبکاری را یا فشرده‌طور آموزش دیده یا به صورت زن معیوب با خودش حمل می‌کرده که در اینجا زده بیرون و قابل مشاهده شده است. یا اصلاً این هیچی... فضای خانه همسایه را تصور کنید که مرد زحمتکش و بینوا، با جان کندن در سرما و گرما، پولی به دست آورده و دسترنجش را برای انجام امور جاری و ضروری خانه، به خانم تحویل می‌دهد و یک‌دفعه خانم در اقدامی اختلال‌طور، خرجی یک ماه را به همراه اقساط ماه بعد، خرج در پاسخ به اعتراض‌ها می‌گوید: «این خرج‌ها طبیعی است؛ متأسفانه کم‌لطفی شده!» به قولی «مال مفت و دل بی‌رحم!» انگار قفسه ماشین و نسبت ضمنی خریدن برای اعضای شورای شهر است که طبیعی باشد! حالا باید از کمی بالاتر به قفسه نگاه کنیم؛ مثلاً از منطقه‌ای مشرف به کیکشان راه شیری! در مریخ، فرد آزاده‌ای را که برای دفاع از عقاید و وطنش، به دست قرمزی‌ها کشته و تکه‌تکه شده بود، تشییع می‌کردند؛ ۲ مسأله اعصاب‌خردکن در این قفسه پیش آمد:

۱- در کمال ناباوری هیچ کدام از سیران دولت وقت، در مراسم حاضر نشدند، انگار که اصلاً آن محسن (شهیدحججی)، مال آن مملکت نبوده! با این حال جریان متبوع دولت، مدام شکایت داشتند که چرا اینگونه مراسم‌ها و افراد خفن را یک جریان خاص مصادره می‌کنند؟! در پاسخ باید گفت شما، یک نفر تان را بفرستید در مراسم شرکت کنید، بعد برای مصادره کل قفسه دورخیز کنید. تکان نمی‌خورند از بس حال ندارند!